

علل عدم گرایش کارگران نقاش ساختمان شهر تهران

به

تشکیل سندیکای کارگری

پژوهشی از: صالح کیاماری

(عضو هیئت بازگشایی سندیکای کارگران نقاش ساختمان)

سندیکای کارگران نقاش و تزیینات ساختمان

[/http://www.syndicanaghash.blogfa.com](http://www.syndicanaghash.blogfa.com)

s.naghashan@yahoo.com

پیشگفتار:

سخن از سرگذشت کارگران از ابتدای پیدایش و چگونگی تکامل و وضعیت کنونی این طبقه اجتماعی، به اندازه تمام سرگذشت تاریخ بشری از انقلاب صنعتی به این سو، به دراز خواهد انجامید. امروزه دیگر بر هیچ محقق و پژوهشگر علوم اجتماعی پوشیده نیست که ظهور طبقه کارگر با صنعتی شدن و به تبع آن شهرنشینی همراه بوده است. تقسیم کار پیچیده که لازم و ملزوم صنعتی شدن جامعه بود، قشرها (به زعم وبر) و طبقات (به زعم مارکس) مختلف اجتماعی را بوجود آورد که هر کدام دارای جایگاه، نقش، کارکرد و نفع اجتماعی متفاوتی بودند. بدین ترتیب جامعه از گروه‌هایی متشکل شد که دارای منافع متضاد آشکاری بودند.

اما آنچه باعث می‌شد این تضاد بین گروهی (که شاید در دوره‌های قبلی تکامل بشری نیز وجود داشته است) آشکارا مورد مطالعه و نیز مورد مخاصمه قرار گیرد، ظهور مکاتب و اندیشه‌های فلسفی جدید در حوزه اجتماعی و سیاسی بود که به شیوه‌ای اعتراضی (protestism) تمامی سنت‌های گذشته را که روزگاری قانون لایزال الهی تصور می‌شد، به چالش کشیده و به مبارزه و دگرگونی فراخواندند.

پس از گذشت سال‌ها که از گیر و دار این کشاکش تتوریک و سپس پراتیک گذشت، این نظم به ظاهر نظام مند سرمایه داری بود که پا برجا و پیروزمندانه خود را فاتح دید. جامعه شناسی نیز که رسالت انسان مدارانه خود را فراموش کرده بود، با گسیل از زادگاه اصلی خود یعنی اروپا به قلب سرمایه داری جهان یعنی آمریکا نقل مکان کرد و هم اکنون سالهاست که شیکاگو، هاروارد و آیوی روش‌های مطالعه، تحقیق و نتیجه‌گیری را به دانشگاه‌های سرتاسر جهان دیکته می‌کنند.

البته این موضوع که نقطه‌ای از جهان پیشگام جامعه شناسی باشد، فی‌نفسه مشکل‌زا به نظر نمی‌رسد. اشکال اصلی این است که متدهای جامعه شناسی در کشورهای پیشرفته، به خصوص آمریکا، برای حل معضلات اجتماعی خاص این جوامع و با توجه به ویژگی‌ها و شرایط اجتماعی خود پی ریزی شده است که لزومی برای تطابق این روش‌ها و ویژگی‌ها با شرایط جوامع جهان سوم و پیرامون وجود ندارد. بدین ترتیب

جامعه شناسان در کشورهای غیر پیشرفته، به خصوص جهان سومی، با این مشکل اساسی مواجه هستند که با نوعی ابزارهای وارداتی در عرصه روش های مطالعات جامعه شناسی، می بایست به مطالعه و تحلیل مسائل اجتماعی خاص جامعه خود بپردازند. البته لازم به ذکر است که استفاده از شیوه های تحقیق دانشگاه های غربی تا کنون کمک زیادی به رفع بسیاری مسائل اجتماعی کرده و این روش ها در پاره ای مواقع موثر، مشکل گشا و منحصر به فرد بوده اند.

مخلص کلام اینکه: تاریخ صنعتی شدن، تاریخ طبقه کارگر، تاریخ پیشرفت های علمی و حتی تاریخ تکامل جامعه شناسی، در رابطه ای تنگاتنگ و متصل به هم قرار دارند که گویی همگی از یک مسیر تکاملی مشخص منبث هستند.

مقدمه:

با ظهور تولید ماشینی و افزایش بیشتر بهره کشی سرمایه داران از کارگران، فشار زندگی و نارضایتی اجتماعی در میان آنها به حدی رسید که برای فرار از این وضعیت تصمیم به تشکیل جمعیت هایی، خاص خود و اتخاذ سیاست هایی در مقابل فشارهای سرمایه داری گرفتند. بدین ترتیب اساس تشکیل اتحادیه های کارگری، افزایش قدرت چانه زنی کارگران برای کسب حقوق اجتماعی بیشتر و مقابله با زیاده خواهی های روزافزون قدرت غیرقابل کنترل سرمایه داری، بود. (هرچند که در نظریات مارکسیستی، از جمله در آثار کارل مارکس و ولادیمیر ایلیچ لنین سندیکاها و اتحادیه های کارگری ابزار دست یابی طبقه کارگر به آگاهی طبقاتی و مقدمه سازی انقلاب پرولتاریا می باشد.)

در دوران بعد از صنعتی شدن و به ویژه در ابتدای قرن هیجدهم میلادی، کشف بازارهای مصرف جدید و ولع ناتمام طبقه نوظهور سرمایه داری برای کسب سود بیشتر، عرصه زندگی بر کارگران آنچنان تنگ شده بود، که وصف آن تنها به قلم نویسندگان نابغه و رئال مسلک اروپایی میسر بود. طولانی بودن ساعات کار که در مواقعی تا بیش از ۱۶ ساعت در روز هم می رسید، کار کودکان و زنان، دستمزدهای ناچیز که به سختی کفاف زندگی را می داد و بسیاری دیگر از این دست کمبودها و محرومیت ها، موجبات ظهور و پیشرفت مجموعه ای از نظریات و به تبع آن فعالیت های اصلاحی و انقلابی شد که به جنبش کارگری معروف است. سندیکا خواهی، تشکیل اتحادیه های کارگری که هدفی جز تامین نیازهای کارگران را نداشته باشد، از همان ابتدا (و در آغاز میان کارگران انگلستان) در راس مطالبات جنبش کارگری قرار داشت. این جنبش پس از دهه های متمادی تاریخ مبارزه و فراز و نشیب اکنون در بسیاری از کشورهای منشاء خیرات و خدمات زیادی برای طبقه کارگر بوده است. (و باز تاکید می شود که در این دستاوردها، در نگاه نظریات مارکسیستی هرگز پایان مبارزه نبوده و جز حکومت پرولتری، پایانی برای آن تصور نمی شود)

با این وجود تحقق نیافتن خواسته های کارگران در کشورهایایی که با رشد نا متوازن و یا ناقص سرمایه داری روبه رو بوده اند و یا به دلیل پاره ای مقتضیات فکری و فرهنگی و یا سیاسی و اجتماعی این جوامع که اثراتی چون نا آگاهی و تسلیم وضع موجود شدن را به همراه داشته است و پی بردن به ریشه های آن سوال اساسی در این تحقیق است، موجب شده که جنبش کارگری و در سرلوحه آن جنبش سندیکا خواهی، همچنان در آغاز کار باقی مانده و از رسیدن به کمترین اهداف بازماند.

ایران از جمله کشورهایایی است که علی رغم تاریخ طولانی مبارزات افکار چپ در صحنه سیاست و اجتماع آن، نمی توان تاریخ افتخار آفرینی را در راه کسب امتیازات اجتماعی خاص طبقه کارگر، برای آن متصور شد. هر چند که این دوران طولانی مبارزات پیشروان کارگری، خالی از دست آورد نیز نبوده است.

در این تحقیق یک سوال کلی مطرح است و آن اینکه چرا تا کنون در ایران، اتحادیه های کارگری مستقل و سودمند به حال کارگران وجود نداشته است. البته این موضوع بسیار گسترده و مستلزم تحقیقات وسیع و عمیق است که از چارچوب و توانایی این تحقیق خارج است. به همین دلیل نیز در مبحث بعدی سعی می شود با تحدید این موضوع، به سوالی رسید که امکان پاسخگویی محققانه به آن وجود داشته باشد.

طرح مسئله:

در بخش قبلی اشاره شد که برای دستیابی به پاسخ های محققانه به یک مسئله اجتماعی لازم است، موضوع مورد تحقیق تا جایی محدود شود که ابزارها و امکان های تحقیق اجازه می دهد. این موضوع که به چه دلایلی در ایران اتحادیه های کارگری مستقل و سودمند به حال کارگران وجود ندارد، مجموعه گسترده ای از عوامل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و تاریخی را شامل می شود، که فرضیات و حتی نظریات متعددی می تواند پاسخگوی آن باشد. در این تحقیق سعی می شود تا با چشم پوشی از بسیاری دلایل محتمل و دخیل در این مسئله اجتماعی تنها به بعدی از آن پرداخته شود که اتفاقاً می تواند پایه ای ترین و دخیل ترین عنصر موثر را بررسی کند و آن میزان گرایش و یا به عبارتی گرایش خود کارگران در هر جامعه ای به تشکیل اتحادیه های کارگری است.

بدون شک اولین گام برای شروع یک جنبش اجتماعی از میزان تمایل یک جماعت خاص برای تامین یک هدف جمعی سرچشمه می گیرد. این بسیار مهم است که بدانیم آیا اساساً در میان کارگران ایران میل و گرایشی به ایجاد یک جمعیت مستقل که حامی منافع آنها باشد وجود دارد یا نه؟ و بسیار مهمتر این است که بدانیم دلایل و علل این گرایش یا عدم گرایش چیست؟ و باز برای محدود کردن این موضوع به گونه ای که بتوان با متغیرسازی و ارزیابی کمی، ضرایب همبستگی قابل اعتمادی را بدست آورد، یک پیشه کارگری و آن هم در یک منطقه جمعیتی خاص را مورد مطالعه قرار می دهیم. بدین ترتیب جامعه آماری ما در این تحقیق کارگران نقاش ساختمان شهر تهران می باشد و مسئله بدین گونه طرح می شود که: " آیا کارگران نقاش ساختمان شهر تهران به تشکیل یک اتحادیه مستقل کارگری (سندیکا) تمایلی دارند یا نه و پس از آن اینکه علت این تمایل یا عدم تمایل چیست؟ یا به عبارتی آیا این کارگران سندیکای کارگری را حق خود می دانند و اگر اینچنین است چرا برای بدست آوردن آن کاری انجام نمی دهند؟ "

اهمیت و ضرورت موضوع:

طبقه کارگر نه تنها در جامعه ما که در همه نقاط جهان که زندگی اجتماعی در آن دارای ساختاری طبقاتی است، با کمبودها، نیازمندی ها، ناملاپتمنی ها و سختی های نگران کننده ای روبه رو است. هر انسان آگاه و هر وجدان بیداری که تنها یک بار چشم به حاشیه های شهر و حلی آبادهای آن انداخته باشد و جلوه های دیگری از زندگی (و یا زنده بودن) را در میان این طبقه ضعیف و آسیب پذیر جامعه به نظاره نشسته باشد، به خوبی به عمق فاجعه ای که این طبقه در آن دست و پا می زند، پی خواهد برد. مشاغل سخت و طاقت فرسا، خطر ابتلا به بیماری ها و نقص عضوها، فقدان امنیت شغلی، ساعات طولانی کار و بسیاری موارد دیگر، همه و همه از آن کارگرانی است که به نیروی فکر و بازوی خود جهان را می سازند و سامان می دهند. اما آنچه نصیب ایشان می شود، کمترین دستمزدها، کمترین منزلت ها، کمترین رفاه و بیشترین نیاز است:

بی کارگر و کار جهان ویران است بی بزرگان خلق جهان بی نان است
گویند که از خداست آبادی و نان زین روی خدا کارگر و دهقان است

اما آنچه بیشتر باعث تاسف است اینکه علی رغم ستم آشکار و روزافزونی که از سوی نظام سرمایه داری بر طبقه کارگر وارد می شود، تا کنون آنچنان که باید و آنچنان که شایسته رسالت جامعه شناسی است، توجه جامعه شناسان به معضلات و مسائل اجتماعی طبقه زحمتکش جامعه معطوف نشده است و اگر هم گاه گاهی هدف مطالعه و تحقیق قرار گرفته اند، چیزی جز اثبات اینکه مثلاً درصد طلاق، بزه کاری، حاشیه نشینی و ... در میان کارگران بیشتر است، دنبال نشده است. چیزی که شاید میراث جامعه شناسان شهر شیکاگو باشد. در آخر هم هرگز راه حلی ارائه نمی شود، شاید به این خاطر که راه حل تنها در براندازی نظم حاکم وجود دارد و این نیز مستلزم هزینه های گزافی برای محقق و پژوهشگر خواهد بود.

"روش دیگری هم نمی توان انتظار داشت، چه در جامعه ای که بنای آن بر مبارزه طبقاتی گذاشته شده است هیچ علم اجتماعی بی غرضی نمی تواند وجود داشته باشد." (لنین ۱۹۰۸)

اما در این تحقیق سعی می شود که اساساً یکی از این راه حل ها یعنی مبارزات اتحادیه ای (سندیکایی) کارگران مورد مطالعه قرار گیرد. سندیکا جایی که کارگران با اتحاد و تشکل خود می توانند در برابر امواج سهمگین جامعه سرمایه داری، عرض اندام کنند و خواهان کسب حقوق اجتماعی بیشتری باشند.

آنچنان که گفته شد جامعه آماری ما در این تحقیق کارگران نقاش ساختمان شهر تهران است. نقاشی ساختمان از ناامن ترین و مشقت آمیزترین کارهای ساختمانی است و عموماً مشاغل ساختمانی از سخت ترین مشاغل یدی محسوب می شود. کارگران نقاش ویژگی های خاص خود را دارند. در این صنف کارگران با یک کارفرمای همیشگی سروکار ندارند و معمولاً برای انجام هر پروژه کاری با یک پیمانکار قرارداد دارند که بعد از اتمام پروژه کاری، دیگر رابطه حقوقی خاصی میان آنها وجود ندارد. این موضوع یعنی عدم وجود یک مرجع و مسئول ثابت باعث می شود که کسی خود را ملزم به پاسخگویی به مطالبات کارگران نداند.

به عنوان مثال کارگران در این صنف نمی توانند از پیمانکار توقع تامین اجتماعی، حق بازنشستگی و امثال این را داشته باشند و مرجع پاسخگویی آنها، جز نهاد های دولتی مثل وزارت کار یا تامین و رفاه اجتماعی، نمی تواند باشد. "روزمزد بودن" این کارگران هم خود علت دیگری برای ناامنی شغلی و عدم برخورداری از امتیازات کاری می باشد.

چنین شرایطی که احساس بی پناهی و بی پشتوانگی را در کارگران این صنف تقویت می کند، وجود یک سازمان پشتیبان را که در شرایط سخت بتواند از حقوق شان حمایت کند، لازم می نماید. این دقیقاً چیزی است که فلسفه ظهور سندیکاها را تشکیل می دهد.

مجموعه عواملی نظیر:

- (۱) درآمد زیر خط فقر و زندگی در شرایط غیراستاندارد و به دور از کم ترین امکانات
- (۲) نبود یک سازمان یا تشکل مسئول و دلسوز در رفع نیازمندی های کارگران نقاش
- (۳) عدم رعایت حقوق کار و نابسامانی در شرایط کار که خود ناشی از مورد دوم است.
- (۴) و مهمتر از همه فقدان تحقیقات علمی با روش و اسلوب تحقیق در علوم اجتماعی پیرامون اینگونه از مسائل جامعه کارگری موجب شد تا در این تحقیق سعی شود تا در حد توان با استفاده از شیوه های نوی تحقیق در جامعه شناسی به موضوع میزان گرایش کارگران نقاش به تشکیل اتحادیه مستقل کارگری پرداخته شود. چه در صورت کسب نتایجی با قابلیت علمی، بتوان راه گشای بعضی بیراهگی ها بود.

فرضیات تحقیق:

در این بخش باز هم تاکید می شود که تا کنون کمتر کار تحقیقی به روش و اسلوب تحقیق در علوم اجتماعی در رابطه با جامعه کارگری و آسیب شناسی سازمان ها و تشکیلات کارگری به مثابه تنها اردوگاه اندیشه های چپ، انجام گرفته است. با این وجود به این معنی نیست که ما در راه این تحقیق، بی هیچ توشه ای خواهیم بود. از آغاز پیدایش نیازها و چالش ها در جامعه کارگری، مطالعات درخور و دلسوزانه ای به ویژه از جانب پیشروان جنبش کارگری، انجام گرفته است که می تواند ما را به خوبی در طرح فرضیات منطقی یاری کند و از حدسیات و گمان ها به دور دارد. اکنون هر یک از فرضیات این تحقیق که می تواند علل گرایش یا عدم گرایش کارگران نقاش شهر تهران به تشکیل سندیکای کارگری باشد، با توضیحی کوتاه ذکر خواهد شد:

(۱) کارگران صنف نقاش مانند اکثر دیگر صنوف دارای یک انجمن صنفی می باشند که بعد از انقلاب سال ۵۷ راه اندازی شده است. این سازمان که وابسته به خانه کارگر (زیر نظر وزارت کار جمهوری اسلامی) می باشد کمتر نشانه هایی از یک تشکل مدافع حقوق کارگران را دارد و این به علت: حضور درصد بیشتر پیمانکاران نقاش در آن، عدم دخالت کارگران در تصمیم گیری های مربوط به انجمن (که فقط به حضور آنها در انتخابات مجمع عمومی به مدت هر دو سال یک بار، خلاصه می شود)، اقدام به کاهش میزان دستمزد کارگران به نفع پیمانکاران، عدم تلاش برای ایجاد تعاونی های مسکن، مصرف و دیگر خدمات اجتماعی و ... می باشد.

با این حال وجود این انجمن که به عنوان تنها مرجع و مدافع قانونی حقوق کارگران بوده و تبلیغات آن در بین کارگران و عضوگیری از آنها، گاهاً فرستادن کارشناس به درخواست کارگران برای حل دعاوی بین کارفرما و کارگر (هرچند که این کار با گرفتن مطالبات گزافی انجام می شود)، برگزاری انتخابات آزادانه برای تعیین اعضا رهبری آن، این تصور کارگران که به غیر از انجمن دیگر آلترناتیوی به عنوان مدافع حقوق آنها نمی تواند وجود داشته باشد و در آخر سابقه طولانی آن نزد کارگران، باعث می شود که نقش انجمن صنفی نقاشان ساختمان در میزان تمایل کارگران به تشکیل سندیکا، بسیار موثرتر باشد.

بدین ترتیب فرضیه زیر را در نظر می‌گیریم:

(الف) وجود انجمن صنفی نقاشان باعث عدم گرایش کارگران به تشکیل سندیکای مستقل خود می‌شود.
(ب) وجود انجمن صنفی نقاشان ساختمان باعث گرایش کارگران به تشکیل سندیکای مستقل خود می‌شود.

(۲) ناکامی گروهها و احزاب سیاسی در طول تاریخ ایران زمین در جهت برآورد خواسته های توده مردم که گاه نتیجه بی تدبیری و گاه نتیجه فزون طلبی و آلودگی به قدرت بوده است، باعث شده که نگاهی منفی و بدبینانه را نسبت به اینگونه تشکلهای در میان جامعه برانگیزد. این موضوع مهم که بررسی ریشه های تاریخی آن بسیار وسیع و خارج از موضوع ما است، می تواند عاملی مهم در عدم موفقیت و یا قبل از آن، عدم گرایش به انجام کار گروهی باشد.

درباره کارگران نقاش باید گفت که سابقه ناموفق و کارنامه بد عملکرد انجمن صنفی نقاشان و یا دیگر نهادهای دولتی، به نظر می رسد که باعث ناامیدی این کارگران از توانایی تشکلهای، مثل سندیکاهای کارگری، برای حل مشکلات آنها شده است. این موضوع از خلال صحبت های آنها و گله و شکایاتشان به خوبی مشخص است. پس یک فرضیه دیگر نیز بدین صورت مطرح می شود که:

(پ) بدبینی نسبت به عملکرد سازمان هایی مثل انجمن صنفی، با میزان گرایش کارگران به تشکیل سندیکای مستقل خود مربوط است.

(۳) متأسفانه از خصایص ویژه نظام های غیر دموکراتیک، به ویژه درمشرق زمین و خاصه در ایران (با توجه به نظریه استبداد ایرانی همایون کاتوزیان(کاتوزیان ۱۳۶۸))، شیوه خشن کشورداری حاکمان و رژیم مبتنی بر سرکوب و خفقان ایشان است. بدین ترتیب که با هر صدای مخالفی با نظام حاکم بر جامعه به شدت و به شکلی قهرآمیز برخورد می شود. به همین دلیل نیز توده های مردم همواره با نوعی ترس و وحشت از حکومت، خود را جدا از آن دانسته و از هر چیزی که به دخالت در کار قدرت و حکومت منجر شود دوری می کنند.

با توجه به ضعف ساختار دموکراتیک و فرهنگ توتالیتریستی در نظام سیاسی حاکم، این بعد منفی فرهنگی، همچنان در میان توده های ایرانی حفظ شده است. یعنی به جهت ترس از آینده دخالت در امور سیاسی و اجتماعی و از دست دادن بعضی از منافع فردی خود حاضر نیستند که بدون تضمین وارد جریانهای مداخله گر در قدرت شوند. فعالیت سندیکا و جنبش سندیکایی هم که در ذات خود مبارزه با عناصر سیاسی و اقتصادی را بر دارد، می تواند خط قرمزی برای کارگران تلقی شود. چه آنکه فعالیت سندیکایی از طرف عوامل امنیتی جمهوری اسلامی رسمیت نداشته و اقدام علیه امنیت ملی محسوب می شود. پس فرضیه بعدی که باید مورد تحقیق قرار گیرد به شرح زیر است:

(ت) ترس از برخورد عوامل امنیتی، می تواند باعث عدم گرایش کارگران به تشکیل سندیکایی مستقل خود بشود.

فرضیه فرعی: آزاد بودن فعالیت های سندیکایی باعث گرایش بیشتر کارگران به تشکیل سندیکا میشود.

(۴) فرضیه بعدی که باید مورد تحقیق قرار گیرد و از اهمیت زیادی هم برخوردار است این است که آیا اساساً در بین کارگران نقاش ساختمان نارضایتی از وضع زندگی خود، اعم از اقتصادی یا اجتماعی، وجود دارد که اکنون در پی توسل به یک نهاد، اندیشه یا جنبشی باشند، یا اینکه آنها آنقدر از وضعیت خود راضی هستند که نیازی به تغییر وضع موجود نمی بینند. کارگران یک صنف تنها هنگامی در راه بهبود منافع خود اقدام می کنند که در جایی، یا حتی از آنها ضایع شده باشد و یا آنکه بخواهد ضایع شود. این موضوع در همه جوامع بسیار بدیهی است، آنچنان که که " نیل اسملسر"، ترغیب و فشار ساختاری که موجب تجمع افراد در کنار هم، برای مقابله با آن فشار ساختاری می شود را از عوامل تعیین کننده رفتارهای جمعی (که البته این گونه از رفتارها مقدمه ایجاد جنبش ها و نهادهای اجتماعی خاصی است) می داند. (نقل از کتاب کوئن ۱۳۸۱)

بدین ترتیب مساله میزان رضایت کارگران نقاش ساختمان از شرایط زندگی خود در میزان گرایش آنها به تشکیل نهادی برای رفع نیازهایشان مربوط است. پس این فرضیه نیز به این صورت مطرح می شود که:

(ث) بین میزان رضایت کارگران نقاش از شرایط زندگی شان و میزان تمایل آنها به تشکیل سندیکای مستقل کارگری همبستگی وجود دارد.

۵) به طور کلی در کشورهایی که به علت ساختار نابسامان اقتصاد و شدت فشارهای اقتصادی به اعضای جامعه، تأمین معیشت روزانه به سختی ممکن است، اعضای آن جامعه زمان و انرژی زیادی را صرف اشتغال جهت برآوردن نیازهای مالی خود می کنند. این باعث می شود که از میزان تفریحات، مطالعه و شرکت در فعالیت های اجتماعی به مراتب کاسته شود. این موضوع در میان کارگران نقاش هم صادق است. این کارگران چیزی بیش از نیمی از ساعات شبانه روز را مشغول کار نقاشی ساختمان بوده و در پایان وقت کاری هم آنچنان خسته و بی رمق هستند که توانایی پرداختن به فعالیتهای غیر را ندارند، چه برسد به شرکت در فعالیتهای سندیکایی!

ج) کمبود اوقات بیکاری در ساعات شبانه روز، از علل ناتوانی کارگران در تشکیل سندیکای مستقل خود می باشد.

۶) و اما مورد آخر که از مهمترین مسائل و چالش های روند تکامل جوامع و جنبش های اجتماعی می باشد مسئله میزان آگاهی و توانایی های پیشرفت فکری و فرهنگی جوامع است که خود معلول عوامل بسیاری می تواند باشد. ما در این جا با صرف نظر از تعریف عام مفهوم آگاهی، به طور اختصاصی، در این تحقیق، آگاهی را به عنوان میزان برخورداری افراد از وسایل ارتباطی در جهت ایجاد یک کنش فکری خاص و مترقیانه، در نظر می گیریم. توانایی درک افراد برای تحلیل و بررسی شرایط اجتماعی خود، می تواند به عنوان یک محرک اساسی برای او در جهت تغییر شرایط اجتماع، به نفع بهره برداری بهتر از منابع و امکانات، کمک کند.

همچنین باید تأکید کرد که با توجه به تعلق نهاد سندیکا به تئوریهای مارکسیستی، توجه به مفهوم آگاهی، به تأثیری از اصطلاح " خود آگاهی طبقاتی " مارکس، لازم می نماید.

ج) بین میزان آگاهی کارگران از موقعیت اجتماعی خود و تمایل آنها برای تشکیل سندیکای مستقل کارگری ارتباط معناداری وجود دارد.

تعریف متغیرها:

در قسمت قبلی، یعنی فرضیات تحقیق، هر یک از متغیرهایی که در ارائه فرضیات دخیل بودند، به تفصیل توضیح داده شد. در این قسمت هم به طور خلاصه و به ترتیب، هر یک از متغیرها را تعریف می کنیم:

۱) عملکرد انجمن صنفی:

البته به نظر می رسد که اصلاح انجمن صنفی، به خودی خود نمی تواند یک متغیر محسوب شود. اما در این تحقیق به علت میزان دخالت عملکردهای انجمن صنفی در سابقه ذهنی کارگران نقاش و میزان تمایل آنها به تشکیل سندیکای کارگری، می تواند به عنوان یک متغیر اثرگذار معرفی شود.

۲) بدبینی:

این متغیر نیز سابقه ذهنی کارگران را از عملکرد دیگر نهادهای کارگری موجود در گذشته به طور خاص (به غیر از انجمن صنفی که خود جداگانه بررسی شد) و اساساً ناکامی ها و انحراف های گروهها و جمعیت ها در صحنه سیاسی جامعه استبداد زده ایرانی، به طور عام، مورد مطالعه قرار می دهد. منظور از بدبینی، وجود ذهنیت هایی چون توطئه گری، ناکامی، قدرت طلبی و ... گروههای اجتماعی می باشد. این متغیر در فرضیه "پ" وجود دارد.

۳) ترس:

این متغیر که در فرضیه "ت" آمده، به فرار و دوری گزیدن از فعالیت های اجتماعی سیاسی به علت برخوردهای قهرآمیز، حذفی و دیکتاتور مآبانه عوامل قدرت با این فعالین، اشاره می کند. تهدید و ارباب، زندان، محرومیت های اجتماعی، ضرب و شتم، اخراج و ... از ابزارهای صاحبان قدرت در ایجاد ترس و وحشت میان کارگران محسوب می شود.

۴) رضایت از وضع کنونی:

منظور از این متغیر این است که کارگران تحت تاثیر شرایط فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جامعه خود تا چه میزان از شرایط زندگی خود، اعم از خوراک، پوشاک، مسکن، آسایش روانی، امنیت اجتماعی و ... راضی هستند. در واقع این متغیر می تواند میزان روحیه تسلیم و محافظه کاری یا نوجویی و تغییر پذیری را مورد سنجش قرار دهد.

۵) اوقات فراغت:

همان طور که گفته شد منظور از این متغیر، میزان وقت و به تبع آن حوصله ای است که شرایط زندگی به کارگران اجازه میدهد، تا در اختیار فعالیت های اجتماعی قراردهند.

۶) آگاهی:

میزان دسترسی به منابع اطلاعاتی سالم و برخورداری از اطلاعات صحیح، منظور ما را از این متغیر شامل می شود. مناسبانه مطالعه میزان آگاهی کارگران از شرایط اقتصادی جامعه سرمایه داری و پیچیدگی های این اقتصاد و چگونگی استثمار و بهره کشی از کارگران در این ساختار اقتصادی، مستلزم تحقیقی جداگانه با چالش های فراوان دیگر بوده، که در توان این تحقیق نمی باشد. پس در این جا منظور ما از آگاهی، اطلاع یا عدم اطلاع کارگران از مفهوم سندیکا، وجود آن و فعالیت های آن می باشد.

متغیرهای شماره ۷ و ۸ و ۹ به ترتیب: سن، میزان تحصیلات و شرایط اقتصادی فرد، می باشد.

تعریف عملیاتی متغیرها (شاخص سازی):

در این قسمت سعی می شود تا متغیرهای مورد نظریه صورتی قابل سنجش در بیاید. از آنجا که روش تحقیق در مورد این موضوع تحقیقاتی از نوع پیمایشی می باشد، اساس کار در طرح سوالات پرسشنامه، این بوده که بتوان به وسیله هر یک از سوالات، یکی از متغیرها را سنجید. با این مقدمه به شاخص سازی در رابطه با هر یک از متغیرها پرداخته و برای روشن شدن مطلب، هر یک از سوالات مربوط آن متغیر در پرسشنامه نیز خواهد آمد.

۱) عملکرد انجمن صنفی:

عملکرد خوب یا بد انجمن صنفی در گذشته می تواند ملاک سنجش قرار گیرد. در این مورد به تعریف شاخص های خوب یا بد بودن نمی پردازیم، چرا که در نظر هر یک از کارگران می تواند متفاوت باشد. قصد ما این است که دریابیم که بین میزان رضایت کارگران از عملکرد انجمن صنفی و گرایش آنها به تشکیل سندیکا همیشگی وجود دارد یا نه، برای این منظور سوال شماره ۴ مطرح می شود:

۴- انجمن صنفی نقاشان، تا کنون به خوبی از حق و حقوق من دفاع کرده است.

۲) بدبینی:

صفات این متغیر شامل: ناتوانی در انجام وظایف، انجام اعمال خرابکارانه، وابستگی به خارج از کشور(به ویژه کشورهای سوسیالیستی)، و وابستگی به کارفرمایان (در پی کسب سود شخصی بودن)، می باشد که به ترتیب در پرسش های زیر مطرح شده اند:

۶- این گونه سازمان ها مثل انجمن صنفی و سندیکای کارگران نقاش، نمی توانند برای من کاری بکنند.

۹- اعضای سندیکای کارگران نقاش تنها به فکر خرابکاری هستند.

۱۵- سندیکا، یک نهاد خارجی است که توسط بیگانگان هدایت می شود.

۱۸- تا کنون از اعلامیه ها و نشریه های سندیکای کارگران نقاش خوانده ام.

۳) ترس:

اجتناب از رودررویی با عوامل کارفرمایی و وابستگانشان، یکی از صفات اندازه گیری متغیر " ترس " بوده که در پرسش ۱۳ مطرح شده است:

۱۳- هیچ کسی و هیچ گروهی نمی تواند با کارفرماها در بیافتند.

همچنین منع فعالیت های سندیکایی از نظر قوانین رسمی که در پرسش های ۱۱ و ۱۴ آمده است:

۱۱- حضور و عضویت در سندیکا مخالف قوانین وزارت کار است.

۱۴- اگر عضویت در سندیکای کارگران نقاش آزاد بشود، من حتما عضو می شوم.

۴) رضایت از وضع کنونی:

که شامل صفات: رضایت از دستمزد، رضایت از شرایط زندگی (به طور کامل)، تضع حق توسط کارفرما و نیاز به کمک می باشد که به ترتیب در سوالات زیر مطرح شده است:

۱۲- من تنها شایسته گرفتن همین مقدار دستمزد هستم.

۱۶- زندگی برای من آنقدر سخت شده است که برای فرار از این وضعیت حاضر هر کاری بکنم.

۱۷- تا به حال اتفاق افتاده است که حق من توسط کارفرما، ضایع شده باشد.

۷- من در رابطه با وضعیت شغلی و زندگی خودم، نیاز به کمک هیچ گروهی ندارم.

۵) اوقات فراغت:

شلوغی وقت کارگران، متغیری است که به طور مستقیم مورد پرسش قرار می گیرد:

۱۰- آنقدر سر من شلوغ است که فرصت حضور در سندیکا را ندارم.

۶) آگاهی:

اطلاع از وجود نهادی به نام سندیکا، آشنایی از محل و یا نمایندگان سندیکا و خواندن اعلامیه ها و نشریات مربوط به سندیکا، (به عنوان تنها وسیله ارتباط بین کارگران و سندیکا)، به عنوان سه ویژگی، متغیر آگاهی را (آگاهی به معنی مصطلح در این تحقیق) مورد سنجش قرار می دهد. این سه صفت اندازه گیری به ترتیب در پرسشهای زیر آمده است:

۵- از وجود نهادی به نام سندیکای کارگران نقاش، اطلاعی ندارم.

۸- من به عضویت در سندیکا علاقه دارم، اما نمی دانم باید به کجا مراجعه کنم.

۱۸- تا کنون از اعلامیه ها و نشریه های سندیکای کارگران نقاش خوانده ام.

۷) متغیر سن در اولین پرسش اندازه گیری می شود که آرا به دو قسمت بالاتر از ۳۰ سال و کمتر از ۳۰ سال متمایز می کنیم. سنین کمتر و بیشتر از ۳۰ سال به عنوان یک ملاک سلیقه ای در نظر گرفته شده که تا حدودی می تواند بازگوی روحیات محافظه کارانه (برای بیشتر از ۳۰ ساله ها) و روحیات تجدد طلبانه (برای کمتر از ۳۰ ساله ها) باشد. باز هم تاکید می شود که ملاک ۳۰ سالگی تنها بر اساس یک احتمال نزدیک به تعیین در نظر گرفته شده است و هدف این است تا با در نظر گرفتن همبستگی این متغیر با دیگر پرسش ها، به نوع ارتباط بین پیری و جوانی پاسخ گویان و میزان گرایش آنها به تشکیل سندیکا و یا مثلاً نگرش آنها نسبت به انجمن صنفی، نوع زندگی خود و ... پی برد.

۸) آنچه که در مورد هدف از مطالعه متغیر سن توضیح داده شد، در مورد متغیر تحصیلات نیز صدق می کنو، با این توضیح که این متغیر رتبه ای به درجات زیر تقسیم می شود: بی سواد - تا اول راهنمایی - تا دیپلم و بیشتر از دیپلم

۹) متغیر وضعیت اقتصادی، به شکلی ساده به سه قسمت خوب، متوسط و بد تقسیم می شود.

روش تحقیق:

در این تحقیق از روش پیمایشی استفاده شده است. بدین ترتیب که با استفاده از یک پرسشنامه ۳۰ سوالی، هر یک از صفات متغیرهای پیش بینی شده اندازه گیری می شود. سوال سوم این پرسشنامه به عنوان یک سوال پایه عمل می کند که اساساً گرایش یا عدم گرایش کارگان نقاش به تشکیل سندیکای کارگری را نشان می دهد. پاسخ این سوال در ارتباط با پاسخ سوال های دیگر قرار گرفته و همبستگی ها مورد مطالعه قرار می گیرد. اضافه براین که هر یک از پرسش های دیگر نیز می توانند به طور جداگانه و یا دوتا دوتا، با هم مقایسه شوند. داده های بدست آمده از این روش پرسش نامه ای به کمک نرم افزار spss، تحلیل خواهد شد.

در مواقعی هم که نیاز بوده است با استفاده از روش کتبخانه ای، به مطالعات پیشین مراجعه شده که حسب مورد، منابع ذکر شده است.

در رابطه با تهیه فرضیات تحقیق نیز از اطلاعات میدانی محقق به علت حضور مستمر در جمع کارگران این صنف استفاده شده که به نوعی استفاده از روش مشاهده مشارکتی بوده است.

تکنیک جمع آوری اطلاعات نیز شامل یک پرسشنامه ۲۰ سوالی با طیفی از پاسخ های دو یا سه گزینه ای بود، که توسط کارگران تکمیل شده و نتایج توسط نرم افزار spss به دست آمد.

جامعه آماری:

همان طور که از عنوان این تحقیق بر می آید، مطالعه ما در مورد کارگران نقاش ساختمان شهر تهران بوده و به همین صنف محدود می شود. کارگران نقاش شهر تهران در حاشیه ها و در نقاط مختلف شهر مثل نصیرآباد، خاک سفید، اسلام شهر و ... زندگی می کنند و از این نظر دارای یک پراکندگی جمعیتی می باشند. این کارگران، در ابتدای روز یک تا دو ساعت، در پاتوق هایی جمع می شوند که از آنجا و با معرفی پیمانکاران به محل کار خود می روند. در تهران حدود ۱۱ پاتوق وجود دارد که شامل پاتوق های خاک سفید، امام حسین، میدان انقلاب و ... می باشد.

در رابطه با تعداد جمعیت این کارگران اطلاع دقیقی در دست نیست و تنها بر اساس حدس و گمان می توان تعداد آنها را که اغلب مهاجران آذربایجانی هستند، به ۴ تا ۷ هزار نفر در سطح شهر تهران تخمین زد. متأسفانه هیچ نهاد و مرجعی تاکنون زحمت آمارگیری مناسب از تعداد و وضعیت این کارگران را قبول نکرده است که این امر در آینده لازم به نظر می رسد.

نمونه آماری و شیوه نمونه گیری:

به علت یکپارچگی و همگنی زیاد میان نوع زندگی، گرایشات، و ویژگی های فرهنگی و ... کارگران نقاش، بنا به توصیه دکتر ساروخانی (ساروخانی ۱۳۷۲)، برای بدست آوردن نمونه آماری می توان از " نمونه گیری خوشه ای " استفاده کرد. بدین ترتیب که بعد انتخاب کارگران نقاش شهر تهران، بر اساس امکانات و محدودیت های این تحقیق، از میان پاتوق های نام برده در قسمت قبلی، یکی از آنها را انتخاب می کنیم. نمونه مطلوب ما پاتوق امام حسین واقع در میدان امام حسین می باشد که به علت مرکزیت شهری آن (بر خلاف پاتوق هایی مثل خاک سفید یا نصیرآباد) کارگران اکثر نقاط حاشیه ای را هم شامل می شود. پس نمونه آماری ما " کارگران نقاش ساختمان پاتوق امام حسین " در نظر گرفته می شود و مطالعه نیز روی آنها انجام خواهد شد.

جمع آوری اطلاعات:

پس از بررسی ساعت حضور کارگران در پاتوق امام حسین که در بازه زمانی ۷ تا ۸:۳۰ صبح متغیر بود و با کمک دو تن از دوستانی که خود از نقاشان محسوب می شدند، در محل حاضر شده و پرسشنامه بین کارگران پخش شد. پس از تکمیل پرسشنامه ها توسط کارگران و نیز پس از کدگذاری آنها، داده ها (یعنی پاسخ های کارگران به هریک از پرسش ها) به نرم افزار spss وارد شده و اطلاعات لازم برای تحلیل و نتیجه گیری از آن استخراج شد.

تجزیه و تحلیل اطلاعات:

پس از دسته بندی و کدگذاری پرسشنامه هایی که توسط کارگران پاسخ داده شده بود، پاسخ ها به عنوان داده های تحقیق وارد نرم افزار spss گردید تا به وسیله آن اطلاعات لازم به دست آمده و نتیجه گیری شود.

در ابتدا ارائه بعضی آمارهای کلی و توصیفی لازم به نظر به رسیده و نتایج جالبی را به دست خواهد داد.

از اطلاعات اولیه اینکه ۶۵ درصد پاسخگویان کمتر از ۳۰ ساله ها هستند. این وضعیت می تواند به دو دلیل باشد: اول اینکه به علت نوع سخت کار نقاشی ساختمان، جوان ترها بیشتر به آن مشغول هستند و مسن ترها از انجام آن ناتوانند و دوم اینکه بسیاری از مسن ترها به علت سوابق شغلی خود، نیازی به حضور در پانوق ها ندارند. نتیجه اینکه ما در این تحقیق با اکثریت کارگران جوان سر و کار داریم.

در رابطه با سطح تحصیلات نیز مشاهده می شود که نزدیک به ۸۰ درصد نمونه آماری ما دارای تحصیلات از ابتدایی تا دیپلم می باشند. یا به عبارتی ۸۳ درصد پاسخگویان زیر دیپلمه هستند. لازم به توضیح است که این درصد نیز مدارک خود را از مدارس سطح پایین (از نظر امکانات و استانداردهای آموزشی) دریافت کرده اند. با این وجود، نرخ بی سوادی در این طبقه نگران کننده نیست.

در رابطه با وضعیت اقتصادی، نزدیک به ۷۰ درصد از کارگران این صنف خود را در وضعیت بدی تصور می کنند. در مورد این متغیر که به "رضایت از وضع کنونی" ک بسیار نزدیک است، مهم این است که درصد زیادی از این کارگران از وضعیت زندگی خود ناراضی هستند.

در پاسخ به سوال سوم پرسشنامه که تمایل کارگران نقاش به داشتن یک تشکل مستقل را مورد بررسی قرار می دهد، ۹۱/۲ درصد کارگران موافق آن بوده و براین حق خود اصرار دارند:

پس از توضیحات کلی بالا، به آزمون فرضیات تحقیق پرداخته خواهد شد:

الف) می خواهیم بدانیم بین وجود انجمن صنفی و گرایش کارگران به تشکیل سندیکای مستقل خود رابطه معناداری وجود دارد یا نه. از آنجا هر دو متغیر در مقیاس اسمی بوده و در پرسشهای ۳ و ۴ لحاظ شده اند، با استفاده از آزمون کای دو، مشخص می شود که بین این دو متغیر با درجه آزادی ۴، رابطه معناداری وجود ندارد. چرا که مقدار $Asymp.sig$ ، یعنی ۶۲٪ از ۵٪ بیشتر است. پس فرض صفر، یعنی عدم وجود رابطه بین این دو متغیر رد نمی شود.

ب) فرضیه بعدی مورد تحقیق درباره رابطه بین میزان بدبینی و میزان گرایش به سندیکا می باشد. نتایج آماری و مقایسه ضریب معناداری نشان می دهد که بین این دو نیز رابطه معناداری وجود ندارد. برای متغیر بدبینی، چهار صفت اندازه گیری تعریف شد که در این جا صفت "وابسته به کارفرمایان بودن" به عنوان نمونه می آید:

پ) در رابطه با همبستگی بین دو متغیر ترس و میزان گرایش نیز، چون هر دو متغیر در سطح اسمی هستند، از آزمون "کای دو" استفاده می کنیم. چون برای متغیر ترس دو صفت تعریف کرده ایم، این آزمون نیز دوبار به صورت جداگانه انجام شود.

بین ترس از مخالفت عوامل کارفرمایی و میزان گرایش کارگران به تشکیل سندیکای مستقل خود (مقایسه پرسش های ۳ و ۱۳) رابطه معناداری وجود ندارد، چرا که ضریب معناداری آن برابر ۶۴٪ بوده که از ۵٪ بیشتر است. بنابراین فرض صفر ما، یعنی عدم ارتباط معنادار بین دو متغیر فوق، رد نمی شود.

اما در مورد صفت بعدی متغیر ترس، یعنی "منع فعالیت های سندیکایی از نظر قوانین" فرضیه ما به اثبات می رسد. در این مورد ضریب معناداری آزمون کای دو، برابر ۰/۰۲٪ است که از ۵٪ کمتر می باشد.

پس این فرضیه زیر به اثبات می رسد:

بین آزاد بودن فعالیت سندیکایی و میزان گرایش کارگران به تشکیل سندیکای مستقل خود، ارتباط معناداری وجود دارد.

ت) صفات متغیر "رضایت از وضع کنونی" یا تمایل کارگران به تشکیل سندیکا دارای ارتباط معناداری نیست و در این بخش هم فرضیه به اثبات نمی رسد. به عنوان نمونه ضریب معناداری بین "ضایع شدن حقوق کارگران توسط کارفرماها" و "تمایل به تشکیل سندیکا" یعنی مقایسه پرسش های ۳ و ۱۷، برابر ۰/۲٪ است:

ث) بین عدم اطلاع کارگران از محل و نمایندگان سندیکا و میزان سندیکا خواهی در آنها ارتباط معناداری وجود دارد، این دو متغیر در آزمون کای، دارای ضریب معناداری ۰/۰۰۵ می باشند که از ۰/۰۵٪ کمتر است.

با توجه به اطلاعات موجود می توان فرضیات دیگری را هم طرح و نتایج آن را بررسی کرد. به عنوان مثال فرضیه زیر:

– بین وضعیت اقتصادی کارگران و تمایل آنها به تشکیل سندیکا ارتباط معنا داری وجود دارد.

– بین وضعیت اقتصادی کارگران و تمایل آنها به تشکیل سندیکا ارتباط معنا داری وجود ندارد.

نتیجه آزمون U من ویتنی در ارتباط با دو متغیر رتبه ای - اسمی وضعیت اقتصادی و گرایش کارگران به سندیکا، در صورت کمی اغماض، $(Asymp.sig = 0/06)$ نشان دهنده رد فرض صفر، یعنی وجود ارتباط معناداری بین این دو متغیر است.

فرضیات دیگری هم به همین ترتیب طرح و با استفاده از عملیات کامپیوتری مورد تحقیق وارد شد که همگی فاقد ارتباط معنا دار بودند. در اینجا نیز برای جلوگیری از اطاله کلام، از شرح آن صرف نظر می شود.

چالش ها و مشکلات تحقیق:

این بخش، یعنی چالش هایی که در راه این تحقیق با آن روبرو شدیم و نیز مشکلاتی که در جریان به کارگیری روش های یک تحقیق علمی وجود داشت، با توضیح بیشتر مورد بررسی قرار خواهد گرفت:

۱) کارگران نقاش ساختمان، همچون اکثریت طبقه کارگران ایران، از مشکل سطح پایین سواد و آموزش و پرورش مدرسه برخوردارند. مسئله بی سوادگی در بین کارگران این صنف، از علل متعددی ریشه می گیرد که قابل تعمیم به کل جامعه ایران و اساساً جوامع جهان سومی بوده و از این لحاظ خارج از این بحث می باشد. مسئله اصلی این است که برای تکمیل پرسشنامه ها توسط کارگران، مسئله کم سوادگی یا بی سوادگی آنها، به عنوان مشکل اصلی خود را می نمایاند.

با پیش بینی این مشکل در تدوین و نگارش پرسشنامه، حداکثر سعی ممکن به کار رفت تا از طرح سوالات پیچیده و گنگ و نیز استفاده از لغات غیر عامیانه، اجتناب شود. با این وجود بسیاری از کارگران در خواندن، تجزیه و تحلیل و سپس پاسخ دادن به سوالات ناتوان بودند. این مسئله خود باعث شده بود تا بسیاری از آنها از شرکت در مصاحبه خودداری کنند و یا از سر بی میلی اقدام به آن کنند. از بین ۱۲۰ پرسشنامه ای که در محل میان کارگران پخش شد تنها ۶۵ پرسشنامه پر شد و به پرسشگران برگردانده شد. از میان آن ۶۵ پرسشنامه نیز، ۸ عدد به کلی فاقد اعتبار بوده و از صلاحیت مطالعه علمی خارج بود. در مورد ۵۷ پرسشنامه باقی مانده نیز باید به این نکته توجه داشت که پاسخ ها نباید از قابلیت اعتماد بالایی برخوردار باشند. بعضی از کارگران، بسیاری از پرسش ها را بدون مطالعه و فقط برای رفع تکلیف عامت می زدند و تعدادی دیگر نیز با کمک هم (با سوادترها به بی سوادها کمک می کردند) به سوالات پاسخ می دادند. نا گفته پیداست که همین ایرادات اساسی که ذکر شد، به کلی قابلیت علمی نتایج این تحقیق را زیر سوال می برد.

۱) در ادامه قسمت اول باید توضیح داد که شاید ابزار تحقیق برای انجام این مطالعه، مناسب نبوده است. مثلاً بهتر بود به جای ارائه پرسشنامه مکتوب به هریک از کارگران، از مصاحبه شفاهی استفاده شود. اما استفاده از هر روش دیگری، مستلزم امکانات و توانایی های بیشتر و متفاوت نیروهای تحقیق بود. چیزی که از یک تحقیق دانشجویی نمی توان انتظار داشت.

زمان کوتاهی که کارگران در پاتوق های خود حضور دارند، باعث عدم تمرکز و دقت آنها در پاسخگویی به سوالات می شد. کارگران نقاش با این دغدغه فکری که با حضور در پاتوق، شاید کاری هم به آنها سپرده شود، هرروز را عازم این محل ها می شوند. حداکثر حضور آنها هم یک یا دو ساعت بیشتر نیست. در چنین فرصت کمی، پخش پرسشنامه ها، ارائه توضیحاتی درباره چرایی و چگونگی پرکردن پرسشنامه ها و سپس جمع آوری آنها بسیار مشکل و حتی بعید به نظر می رسد.

۲) عدم تجربه قبلی کارگران، در مورد شرکت در چنین تحقیقاتی خود یکی از مشکلات مهم بود. بسیاری از این کارگران هیچ گونه سابقه ای در برخورد با این گونه پرسشنامه ها نداشتند. عده ای بی تفاوت از کنار آن می گذشتند و عده ای دیگر، از اینکه از آنها نظرخواهی شده، احساس رضایت کرده و با جدیت به پرسشها جواب می دادند، همچنین بودند عده ای که تصور می کردند، عطف از پاسخ دادن به این سوالات، مثلاً جمع آوری اطلاعاتی برای یک نهاد دولتی است تا از گذر آن، منافعی را به این صنف اختصاص دهند!

۴) اکثر قریب به اتفاق کارگران نقاش ساختمان از هم وطنان آذری زبان هستند. این مسئله باعث می شد که برقراری ارتباط با آنها، برای محققى که فارسی زلان است، مشکل و حتی غیرممکن باشد. این مشکل از طریق کمک گرفتن از دو نفر از دوستان آذری زبان، تا حدودی برطرف شد.

نتیجه گیری نهایی و ارائه پیشنهادها:

در ابتدای این تحقیق مسئله اساسی به این صورت مطرح شد که:

" آیا کارگران نقاش ساختمان شهر تهران به تشکیل یک اتحادیه مستقل کارگری (سندیکا) تمایلی دارند یا نه و پس از آن اینکه علت این تمایل یا عدم تمایل چیست؟ یا به عبارتی آیا این کارگران سندیکای کارگری را حق خود می دانند و اگر اینچنین است چرا برای بدست آوردن آن کاری انجام نمی دهند؟ "

درباره بخش اول این مسئله، یعنی تمایل کارگران به تشکل مستقل خود، مشخص شد که ۹۱ درصد این کارگران موافق داشتن یک تشکل مستقل بوده اند.

اما در مورد بخش دوم مسئله به آسانی نمی توان نظر داد. ۹۱ درصد کارگران موافق داشتن یک تشکل مستقل هستند، اما عملاً تمایلی نشان نمی دهند. چرا که در واقعیت امر یک تشکل مستقل (سندیکای کارگری) در این صنف وجود ندارد. یعنی دلایلی وجود دارد که از میزان تمایل کارگران می کاهد و مانع از اقدام آنها برای تشکیل یا عضویت در یک سندیکای کارگری می شود.

در ادامه مشخص شد که از میان فرضیات مورد تحقیق :

۱) منع فعالیت های سندیکایی از نظر قوانین

۲) عدم آگاهی کارگران از محل مراجعه آنها برای تشکیل سندیکا

در میزان گرایش کارگران برای تشکیل سندیکای مستقل خود، تاثیر زیادی دارد. با این حال به دلایلی که در قسمت "چالشها و مشکلات" ذکر شد، همین نتایج نیز قابل اتکا نمی باشد. به نظر می رسد این سوال که علل عدم گرایش کارگران نقاش به تشکیل سندیکای مستقل خود چیست؟ با یک سوال بسیار عمومی تر، که ریشه بسیاری از ناکامی های سیاسی و اجتماعی جامعه ایرانی را مورد پرسش قرار می دهد، هم جنس است. این سوال که: علل عدم گرایش ایرانیان به انجام فعالیت های جمعی برای حل مشکلات خود چیست؟

بی گمان نتایج این تحقیق، از قابلیت اعتماد و اعتبار کمی برخوردار است. شاید تنها ویژگی مثبت این تحقیق، انجام نمادین و مقرراتی چهارچوب های تجویزی روش تحقیق باشد. آشنایی با پیچیدگی ها و دشواری های یک تحقیق علمی در عرصه علوم اجتماعی نیز از دیگر نتایج مثبت این تحقیق بود.

با این حال به دست آوردن بعضی آمارهای توصیفی ساده نیز، خود می توانند بازگوی بسیاری از نارساییهای موجود در بین کارگران این صنف باشد، که در صورت شناسایی صحیح، می توان برای رفع آنها نیز برنامه ریزی کرد.

ذکر این نکته لازم به نظر می رسد که انجام تحقیقاتی با این نوع موضوعات، یعنی موضوعاتی پیرامون مطالبات کارگری و جنبش سندیکایی، در حاشیه مطالعات علوم اجتماعی قرار گرفته و به این دلیل از نظر پیشینه مطالعاتی، فقیر می باشد. همچنین کوتاهی نهادهای دولتی، عمداً یا سهواً، کارگران این صنف را از بسیاری حقوق اجتماعی محروم ساخته است.

انجمن صنفی کارگران نقاش ساختمان، به عنوان نماینده دولت در میان کارگران، کوچکترین اثر مثبتی در بهبود شرایط زندگی آنها نداشته و از انجام اقدامات محوله، مانند راه اندازی تعاونی های مسکن و مصرف، افزایش دستمزد و ... کارگران کوتاهی می کنند و عملاً بود و نبودشان یکی است.

در رابطه با منع فعالیت های سندیکایی از نظر قوانین، نیز باید گفته شود که قانون اساسی و قانون کار جمهوری اسلامی تا حدودی زیاد، بر حق کارگران برای تشکیل سندیکاهای کارگری، مانعی ایجاد نکرده، بلکه این قانون شکنی منفعت طلبان جبهه سرمایه داری است که فعالیت های سندیکایی را مخالف قانون جلوه می دهند. بهتر است تا عوامل مسئول با رفع موانع و عدم برخوردهای امنیتی و بی مورد با سندیکالیست ها، اجازه فعالیت های آزادانه سندیکا خواهی را بدهند.

فعالین سندیکایی در صنف کارگران نقاش ساختمان نیز باید، هوشیارانه تر، با برنامه تر و فعال تر، سندیکا و سندیکا خواهی و منافع آن را به کارگران بیاموزند و شرایط دسترسی آسان آنها به سندیکالیست ها را مهیا کنند.

امید است که این تحقیق هر چند ناقص و پر ایراد، اما شروعی برای انجام سلسله تحقیقات علمی و کاربردی در خصوص آسیب های جامعه کارگری در جریان مبارزه طبقاتی خود باشد.

پی نوشت ها:

- (۱) لنین. ولادیمیر ایلیچ. ۱۳۸۴. مجموعه آثار. تهران. نشر فردوس
- (۲) کاتوزیان. همایون. ۱۳۶۸. اقتصاد سیاسی ایران. تهران. نشر توحید
- (۳) کوئن. بروس. ۱۳۸۱. درآمدی به جامعه شناسی. ترجمه محسن ثلاثی. تهران. نشر توتیا
- (۴) ساروخانی. باقر. ۱۳۷۲. روشهای تحقیق در علوم اجتماعی. جلد اول. نشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

www.esalat.org